

متون فقه (۳)

وصیت و ارث

استاد : خانم زمانیان

تعریف فقه: علم به احکام شرعی فرعی از ادله تفصیلی

حکم شرعی: حکمی که منشأ آن خداست و به وسیله معصومین به ما نقل شده است.

حکم شرعی: اصلی و فرعی

حکم شرعی اصلی: حکم مربوط به اصول عقاید، مثل معاد.

حکم شرعی فرعی: ۱- عبادات، ۲- معاملات، ۳- قضائیات، ۴- جزائیات

فقیه کسی است که فقاہت دارد به تمام احکام شرعی.

ریشه لغوی وصیت مورد اختلاف است، عده ای از فقها می گویند ریشه وصیت از ایضاء است و مصدر باب افعال است، عده ای می گویند مصدر باب تفعیل است و از توصیه می آید.

علاوه بر ریشه لغوی وصیت، ماهیت حقوقی وصیت نیز مورد اختلاف است. عده ای می گویند وصیت تملیکی عقد است و وصیت عهدی ایقاع عده ای می گویند وصیت در هر صورت ایقاع است.

وصیت {تملیکی= عقد، عهدی= ایقاع

۱- وصیت تملیکی عقد است وصیت عهدی ایقاع. (استادکتر کاتوزیان و مرحوم دکتر شهیدی و مرحوم دکتر امامی)

۲- وصیت در هر صورت ایقاع است. (استاد دکتر جعفری لنگرودی)

عقد: قصد انشای متقابل دو یا چند شخص برای ایجاد یک ماهیت حقوقی.

چون عقد از امور اعتباری است قصد انشاء لازم دارد.

ایجاب و قبول باید در ایجاد ماهیت حقوقی رکنیت در سبب داشته باشد یا هردو جزء سبب باشند.

ایقاع: ایجاد ماهیت حقوقی با یک قصد انشا و یا چند قصد انشا که با هم بدون وجود رابطه ی تقابل در اراده ها ایجاد شود. مثلاً وقتی چند نفر با هم شخصی را که به آنها بدهکار می باشد ابراء می کنند اگرچه چندین قصد انشاء در موضوع دخالت دارد لیکن این ابراء بازهم ایقاع است زیرا اراده ها در تقابل یکدیگر نیستند.

باید توجه داشت که تفاوت وجود دارد میان تقابل اراده و تعارض اراده.

وصیت عهدی یا ناظر به مال است یا سرپرستی طفل.

مثلاً کسی به دیگری می گوید شما وصی من هستید که بعد از فوت من خانه من را بفروشی.

مقدمه :

- ۱- وصیت در لغت یعنی پیوند دادن چیزی به چیز دیگر ، زیرا در قالب وصیت ، شخص اقدامات بعد از حیات را به اقدامات حال حیات پیوند می دهد.
 - ۲- در باب تعریف وصیت و ماهیت حقوقی آن اختلاف است ، لذا قانون مدنی وصیت را تعریف نکرده و مستقیم سراغ تقسیم بندی وصیت رفته است .
 - ۳- تعریف علمی وصیت: وصیت عملی است حقوقی و معلق به فوت که به موجب آن انسان در حقوق مالی خود به مباشرت تصرف می کند و یا در مورد مال یا مولی علیه خود برای دیگری ایجاد ولایت می کند.
 - ۴- وقتی می گوئیم وصیت عملی است حقوقی یعنی اعم است از عقد و ایقاع.
 - ۵- هر وصیتی معلق به فوت است و وصیت در زمان حیات صدق نمی کند.
 - ۶- اگر شخصی وصیت نکند و فقط تملیک غیر معوض و معلق به فوت کند در حکم وصیت است. (مثل هبه معلق به فوت)
 - ۷- وصیت از اعمال انسان است و نه شخص.
 - ۸- منجزات مریض : از نظر برخی از فقها در شمار وصیت قلمداد می شود ، لیکن نظر فوق در حقوق کنونی پذیرفته نیست.
 - ۹- تصرف به مباشرت در تعریف ارائه شده ما حاکی از وصیت تملیکی است.
- موضوع وصیت : موضوع وصیت تملیکی همیشه مال است زیرا فقط مال قابلیت تملیکی دارد.
- موضوع وصیت عهدی می تواند مال باشد و همچنین سرپرستی محجورین.
- تفاوت وصیت تملیکی و عهدی :
- ۱- محدود بودن قلمرو وصیت تملیکی خاص و وصیت عهدی عام است.

۲- مستقیم و غیر مستقیم بودن : انشاء تملیک در وصیت تملیکی متعلق به خود وصیت کننده است در حالی که اگر وصیت عهدی ناظر بر تملیک اموال باشد، انشاء تملیک مربوط به شخص موصی نیست ، بلکه مربوط به شخص وصیت کننده به او اعطای ولایت نموده است.

اصطلاحات :

۱- موصی : کسی که وصیت می کند.

۲- موصی له : کسی که ذینفع وصیت تملیکی است و یا ذینفع وصیت عهدی در صورتی که ناظر به تملیک مال باشد.

۳- موصی به : مال مورد وصیت (وصیت شده به آن) اعم است از وصیت تملیکی و عهدی.

۴- وصی : شخصی که در وصیت عهدی از جانب موصی مأمور شده است.

نکته : وصیت تا یک سوم نافذ است.

به ترتیب :

۱- هزینه کفن و دفن

۲- پرداخت دیون

۳- عمل به وصیت ، فقط یک سوم خالص تقسیم میشود طبق وصیت.

تعریف علمی وصیت تملیکی : تصرف معلق به موت و به مباشرت انسان در حقوق مالی خود اعم از عین و منفعت که متضمن تمتع مجانی دیگران باشد.

وصیت عهدی : استیفای معلق به موت از حق خود از طریق استخلاف (جانشین) .

کسی را در وصیت نمی توان از ارث محروم نمود.

زمانی که دیون بیش از ماترک است ، در اصطلاح می گویند دین مستغرق (غرق کردن ، پوشش دادن ،) ماترک است.

هر وصیتی قابل رجوع است مادام که موصی زنده است.

نتیجه :

۱- هیچ وصیتی دست موصی را نمی بندد.

۲- ملاک آخرین اراده موصی است.

۳- قابلیت رجوع جزء ذات وصیت است و قابل اسقاط نیست.

عمل حقوقی : یک عمل اعتباری است که آثار حقوقی دارد.

رخداد دنیا {مادی و حقوقی

حقوقی :

۱- واقعه حقوقی : یک امر مادی است که اثر حقوقی دارد . اثر حقوقی مسؤل شدن برای جبران خسارت.

۲- عمل حقوقی : یک عمل اعتباری است که آثار حقوقی دارد. قصد انشاء دارد.

عقد : قصد انشای متقابل دو یا چند شخص برای ایجاد یک ماهیت حقوقی.

{ دو قصد انشاء یا بیشتر برای ایجاد ماهیت ملاک است. دو قصد انشاء بایستی نقش سببی در ایجاد ماهیت داشته باشد.

سبب - شرط - عدم مانع

سبب : یعنی رکنی که وجود آن موجب ایجاد معلول و عدم آن موجب عدم معلول است.

شرط : رکنی است که وجود آن برای ایجاد یک معلول مورد نیاز است اما از وجود آن وجود معلول حاصل نمی شود، اما از عدم آن عدم معلول حاصل می شود.

عدم مانع : یعنی جمع سبب و شرط در صورتی می تواند باعث ایجاد یک ماهیت شود که موجه با مانعی نباشد.

ماده ۱۹۰ ق . م

۱- قصد طرفین = سبب (اگر قصد نباشد عقد باطل است ولی رضا و اهلیت نباشد غیر نافذ است.) البته منظور اهلیت ناقص است

۲- رضا = شرط

۳- اهلیت = شرط

۴- موضوع معین = شرط

۵- مشروعیت جهت معامله = عدم مانع

منجزات مریض : ممکن است شخصی بیمار شود و در عین حال نسبت به اموالش تصرفاتی انجام دهد فرضاً هبه منجز یا صلح بلاعوض کند ، در این صورت فقها معتقدند در صورتی که شخص به همان مریضی که در آن اقدام به تصرفات حقوقی فوق نموده است از دنیا برود در این صورت تصرفات فوق در حکم وصیت است و در نتیجه داخل در همان یک سومی خواهد بود که موصی قادر به وصیت می باشد. لیکن حقوقدانان معتقدند با توجه به اصل آزادی اراده ها و هم چنین این قاعده فقهی که مالک می تواند در اموال خود هر نوع تصرفی بنماید و هم چنین این که مریضی موجب زایل شدن اهلیت نمی باشد لذا تصرفات منجز مریض داخل در موضوع وصیت نمی باشد.

نکته : دلیل اینکه فقها این موضوع را منجزات مریض نامیده اند این است که اعمال فوق برخلاف وصیت معلق به فوت نمی باشد بلکه شخص فی الحال و منجزاً اموال خود را تملیک می نماید

ارث

موجبات ارث { نسب و سبب

نسب : طبقه اول ، طبقه دوم ، طبقه سوم

نسب در خط مستقیم ، نسب در خط اطراف

موانع ارث : ۱- قتل مورث ، ۲- لعان ، ۳- کفر ، ۴- ولادت از زنا

نسب یعنی اتصال کسی بر اثر ولادت که خود بر دو دسته است ، در خط مستقیم و در خط اطراف
نسب در خط مستقیم در حالتی است که افراد متولد از یکدیگرند ، مانند پدر و فرزند ، مادر و فرزند.

لیکن در خط اطراف افراد متولد از یکدیگر نیستند ، مثل خواهر و برادر

سبب : ارث بردن از سبب در فقه به ۴ صورت است :

۱- ازدواج ، ۲- ولاء عتق (آزاد کردن بنده) ، ۳- ضمان جریره (همسایه) ، ۴- امامت

از میان اسباب ذکر شده تنها سببیت نکاح است که در قانون مدنی تصریح شده است بنابراین بر خلاف فقه ارث بردن به موجب سبب صرفاً ناشی از نکاح است ، آن هم نکاح دائم .

موانع ارث : ۱- قتل مورث ، ۲- لعان ، ۳- کفر ، ۴- ولادت از زنا

طبقه دسته درجه

طبقه اول :

دسته اول : پدر و مادر = درجه اول از طبقه اول

دسته دوم : اولاد ، (درجه اول از طبقه اول) ، اولاد اولاد (درجه دوم از طبقه اول)

طبقه دوم :

دسته اول : جد و جده (اجداد) ، درجه اول از طبقه دوم ، ابی و امی

دسته دوم : برادر و خواهر (اخوه) ، (درجه اول از طبقه دوم) ، ابی و امی و ابوینی (پسر عمو و پسر عمه ، درجه دوم از طبقه دوم)

طبقه سوم :

دسته اول : عموها و عمه ها (درجه اول از طبقه سوم) ، ابی و امی و ابوینی (پسر عمو و پسر عمه ، درجه دوم از طبقه سوم

دسته دوم : خاله ها و دایی ها (درجه اول از طبقه سوم) ، ابی و امی و ابوینی (دخترخاله ها و دختر دایی ها و پسرخاله ها و پسر دایی ها ، درجه دوم از طبقه سوم)

در موجبات ارث به موجب نسب ۳ طبقه داریم که هر طبقه نیز به ۲ دسته تقسیم می شود و در هر دسته افراد دارای درجاتی هستند البته صرفاً " در دسته اول از طبقه اول (پدر و مادر) درجات مختلف وجود ندارند .

نکته مهم : اولویت در ارث بردن با طبقه اول است و اگر در طبقه اول کسی نباشد در این صورت سراغ طبقات بعدی می رویم .

توضیحات طبقات :

طبقه اول :

در دسته اول طبقه اول فقط ۲ نفر قرار می گیرند و چون مستقیماً " درجه ندارند .

بنابراین پدر و مادر بدون استثناء درجه ۱ از طبقه اول نامیده می شوند .

دسته دوم ، اولاد قراردارند ، اولاد مستقیم به مانند پدر و مادر درجه ۱ از طبقه اول هستند .

اولاد اولاد (نوه) درجه دوم طبقه اول الی آخر .

طبقه دوم :

در دسته اول اجداد قراردارند که عقلاً " اجداد به ۲ دسته ابی و امی تقسیم می شوند .

بنابراین جد ابی و جد ابی و جد امی و جد امی درجه ۱ طبقه دوم هستند .

در دسته دوم طبقه دوم اخوه قراردارد . (اخوه جمع اخو و اخت است)

توضیح : امکاناً " ۳ نوع اخوه وجود دارد که شامل ، ابی ، امی و ابوینی می باشد که هرکدام که باشند می

شوند درجه ۱ طبقه دوم . اولاد و برادر و خواهر می شوند درجه ۲ طبقه دوم و قسط علی هذا .

طبقه سوم :

در طبقه سوم اعمام (عمه ها) ، اعمات (عموها) ، خالات (خاله ها) ، احوال (دایی ها) .

اگر عمومی من با پدرم فقط از سمت پدر برادر باشند در این صورت می شود عمومی ابی و اگر عمومی من با

پدرم صرفاً " از سمت مادر برادر باشند می شوند عمومی امی ، و اگر از هر دو سمت یکی باشند می شود

عمومی ابوینی . عموها ، عمه ها ، خاله ها و دایی ها از هر نوع (ابی و امی و ابوینی) که باشند درجه ۱ از

طبقه سوم می باشند . اولاد آن ها می شوند درجه دوم از طبقه سوم .

قاعده اقریت (الاقرب یمنع الابد)

بر اساس قاعده اقریت در صورت وجود طبقه مقدم ، طبقه مؤخر از ارث ممنوع است ، برای مثال با وجود

هریک از اشخاص مندرج در طبقه نخست با هر درجه ای هیچ یک از اشخاص مندرج در طبقه دوم و طبقه

سوم ارث نخواهند برد . همچنین در داخل هر طبقه و در داخل هر دسته همین که وراثت درجه مقدمی

وجود داشته باشند نوبت به ارث بردن درجات بالاتر نخواهد رسید .

نکته : وراثت یک دسته ، وراثت دسته دیگر را از ارث محروم نمی کنند .

توضیح حجب :

حجب موقعیتی است که به لحاظ وجود یک وارث ، وارث دیگر سبب حجب شده ، حاجب و وراثی که به علت وجود حاجب از ارث محروم شده محبوب می نامند . (ریشه حجب قاعده اقریب است)

حاجب حرمانی : وقتی وارث مقدم در درجه باشد باعث محرومیت وارث مؤخر از درجه در همان دسته می شود .

هم چنین وراث طبقه اول حاجب حرمانی خویشاوندان طبقه دوم هستند . بنابر این با وجود هر خویشاوند طبقه اول ، خویشاوند طبقه دوم و سوم از ارث محروم اند . بدین ترتیب خویشاوند طبقه اول حاجب حرمانی خویشاوند طبقه دوم و سوم است .

در داخل هر طبقه نیز خویشاوندان درجه مقدم هر دسته خویشاوندان درجه مؤخر را از ارث محروم می کنند . بنابر این پسر حاجب حرمانی نوه است .

باید دقت کنیم که این حجر حرمانی ناظر به فرضی است که خویشاوندان ابوینی و ابی هردو در یک درجه باشند . مثلاً" با بودن برادر یا خواهر ابوینی ، برادر یا خواهر ابی ارث نمی برند .

ولی اگر وحدت درجه نباشد ارث متعلق به کسی است که طبق قاعده اقریب وارث مقدم فرض می شود مثلاً" متوفی یک برادر و یک پسر برادر دارد . در اینجا ارث متعلق به برادر که وراث مقدم است می شود .

این قاعده یک استثنا دارد و آن این است که هرگاه وارث متوفی منحصر باشند به ۲ نفر ، یکی عموی متوفی و دیگر پسر عموی متوفی (از یک عموی دیگر) با این توضیح که عموی ابی است و پسر عموی ابوینی است در اینجا هرچند قاعده اقتضا می کند که عمو ارث ببرد اما استثناء" ارث به پسر عمو می رسد .

حجب نقصانی :

وجود یکی از افراد باعث می شود که طرف دیگر از ارث تا حدود کمتری بهره مند شود .

مثلاً" اولاد برای زوجه حاجب نقصانی اند چرا که اگر اولاد نباشند زوجه ارث می برد ولی اگر اولاد باشد ارث زوجه است یعنی از احد اعلا به احد ادنا می رسد .

نمونه دیگر حجب نقصانی این است که اخوه متوفی اگر چه خود ارث نمی برد اما حاجب نقصانی مادر قرار می گیرد و سهم الارث او از به تنزل می یابد .

شرایط اخوه (خواهر و برادر) حاجب : اولاً" به شرط اینکه پدر آن ها زنده باشد ، این اخوه ۲ برادر یا بیشتر باشد یا ۴ خواهر باشد یا یک برادر و ۲ خواهر باشد . هم چنین این اخوه ابوینی یا ابی باشد هم چنین آن ها

به علت قتل یا کنیزی و بردگی از ارث محروم نباشند ، هم چنان آن اخوه حاضر باشد یعنی حمل یا جنین نباشد .

طبقه اول :

دسته اول : والدین (پدر و مادر)

دسته دوم : اولاد ، اولاد اولاد و ...

طبقه دوم :

دسته اول : اجداد : جد و جده امی ، جد و جده ابی

دسته دوم : اخوه ابوینی ، اخوه ابی ، اخوه امی

طبقه سوم :

دسته اول : بستگان مادری متوفی : ابی ، ابوینی ، امی

دسته دوم : بستگان پدری متوفی : ابی ، ابوینی ، امی

آیا نسب ناشی از زنا یا نطفه نامشروع ارث می برد ؟ خیر ، فقط نسب باید مشروع باشد .

نطفه ناشی از نزدیکی به شبهه در حکم نطفه مشروع است و نسبت به طرفی که شبهه دارد ارث تعلق می گیرد و نسبت به شخصی که علم و اختیار (زنا) دارد ارث تعلق نمی گیرد .

نزدیکی به شبهه به لحاظ آثار نکاح ، اصولاً " تمامی آثار نکاح صحیح را دارد . از جمله نفقه و ارث را دارد .

ولد ناشی از شبهه به لحاظ مسئله توارث در حکم ولد ناشی از نکاح صحیح است .

نسبت :

از یک طرف زن زنا و از یک طرف مرد شبهه . نسبت به پدر کامل و نسبت به زن ارث نمی برد . نسبت به شبهه ارث می برد ولی نسبت به زنا نه .

ولد حاصل از شبهه به لحاظ مسئله حاصل از توارث در حکم ولد ناشی از نکاح صحیح است .

امکان دارد یکی به سبب و یکی به نسب ارث ببرد . در آن واحد به دو جهت مستحق ارث باشد .

مثلاً" زن یک نفر دختر عمو یا دختر دایی شخص باشد . که اگر بچه داشت و اگر بچه نداشت و اگر در طبقات نسبی کسی نبود ممکن است ارث ببرد .

شرایط تحقق رابطه توارث (ارث بردن) :

۱- فوت مورث (فرضی ، واقعی)

۲- وجود وارث حین الفوت .

۳- وجود ترکه برای متوفی

شرایط مورد ۲ :

اولاً" شخص باید موجود باشد ، ثانیاً" حین الفوت مورث باشد .

در زوجیت :

در طلاق بائن هیچ ارثی وجود ندارد ولی در طلاق رجعی در هنگام رجوع ارث محقق خواهد شد .

در مورد جنین :

۱- انعقاد نطفه در زمان حین الفوت به عمل آمده باشد .

۲- زنده متولد شود .

شرایط گزینه ۳ :

۱- کفن و دفن+ بدهی + وصیت + ارث = ترتیب بعد از فوت

اول منجزات مریض بعد سایر وصایا ، اگر چیزی ماند اعم از هبه معلق به فوت و وصیت تملیکی .

۵ قاعده بسیار مهم :

۱- قاعده اقربیت : الاقرب یمنع الابدع . داخل هر دسته درجه مقدم مانع ارث بردن درجه بعدی می شوند (

مثلاً" اولاد در دسته دوم طبقه اول مانع ارث بردن اولاد اولاد می شوند .

مثلاً" در صورت وجود پسر عموی ابوینی ، عموی ابی ارث نمی برد در صورت عدم وجود هیچ وراث دیگر .

۲- قاعده قائم مقامی : مثلاً "رسول در تاریخ ۹۱/۶/۱۰ فوت کرده و دو فرزند به نام ماندانا و بیژن دارد .

ماندانا و بیژن در تاریخ ۹۰/۶/۹ در جاده شمال تصادف می کنند و فوت می کنند . ماندانا پسری به نام رستم دارد و بیژن دختری به نام سمیرا .

با وجود اینکه پسر ۲ تا و پسر یکی می برد در اینجا سمیرا چون دختر بیژن است به قائم مقامی از پدر ۲ تا و رستم یکی می برد .

تنها استثنائی که دختر ۲ تا و پسر یکی می برد قاعده قائم مقامی است .

در دسته هایی که درجه دارند چنان چه در هر دسته وراثت مقدم وجود نداشته باشند وراثت مؤخر جانشین وراثت مقدم می شود ، بر این اساس آن وراثتی که این شخص را به متوفی وصل می کند این جانشین سهم الارث او را می برد . مانند زوجه و مادر .

ارث بردن از راه قرابت : ارث بردن از راه قرابت مربوط به وراثتی می شود که سهم الارث مشخص ندارند و سهم الارث آن ها از پیش تعیین نشده است مانند پسر یا برادر ابی و برادر ابوینی .

در هنگام تقسیم ارث ابتدا سهم فرض برها داده می شود و سپس آنچه که باقی مانده است به وراثت یا وراثت قرابت بر می دهیم . بنابراین در مورد اینکه آیا وراثت قرابت بر کمتر ارث می برد یا زیاده تر ، جواب در واقع تابع این است که بین وراثت آن متوفی چه تعداد وراثت فرض بر وجود داشته باشد . طبیعتاً " اگر وراثت فرض بر زیاد باشند ، سهم وراثت قرابت بر زیاد خواهد بود .

مثال: متوفی دارد یک مادر و یک پسر .

مادر فرض بر و پسر قرابت بر .

(زوجه) و (مادر) (پدر)

+ + = =

در این فرمول مخرج مشترک می گیریم و میبینیم که ۸ و ۶ به عدد ۲۴ تقسیم می شوند .

پس بهتره ۲۴ را بعنوان مخرج مشترک قراردهیم .

۳ گونه وراثت وجود دارد :

برخی از وراث همیشه فرض برند . مانند مادر و اخوه امی یا کلالة امی (خواهر و برادر) ،متوفی اگر بچه داشته باشد مادر اگر نداشته باشد .

برخی وراث همیشه قرابت برند . مانند پسر ، برادر ابی و ابوینی همیشه قرابت برند .

جد و جده ابوینی همیشه به قرابت ارث می برند .

دسته سوم وراث گاهی به قرابت و گاهی به فرض ارث می برند . مانند پدر ، دختر و دخترها ، خواهر و خواهران ابی و ابوینی . اگر متوفی اولاد داشته باشد پدر فرض بر است و سهم او است اما اگر اولاد نداشته باشد سهمش هر چه مانده می شود .

قاعده ۳ : محروم بودن خویشان ابی از ارث : در فرض وجود خویشان ابوینی در طبقات دوم و سوم در صورت وحدت درجه . خویشان امی در هر صورت ارث می برند .

مثلاً" دو برادر ابی ارث نمی برند ولی ۳ برادر ابوینی ارث می برند .

یک برادر امی ارث می برد ، ۲ برادر ابی ارث می برند ولی ۱ برادر زاده ابوینی ارث نمی برد .

قاعده ۴ : دوبرابر بودن سهم ذکور نسبت به سهم اناث در اولاد ، اجداد ابی ، اخوه ابوینی ، اخوه ابی ، اعمام ابی و اعمام ابوینی .

قاعده ۵ : تساوی سهم ذکور و اناث در پدر و مادر (هرگاه متوفی اولاد داشته باشد) ، اخوه امی ، اجداد امی ، اعمام امی و احوال .

متوفی دارد :

جد و جده امی + ۱ خواهر امی + ۱ برادر امی

جد و جد ابی + ۳ برادر ابوینی + ۲ خواهر ابوینی

آنچه به خویشاوندان امی می رسد به نسبت مساوی می رسد به نسبت مساوی میانشان تقسیم می گردد . برخلاف خویشاوندان ابی و ابوینی که نسبت ۲ به ۱ میان زن و مرد تقسیم می شود .

مثلاً" به امی ها و از قرابت به ابی

مثلاً" ۹۰ میلیون ما ترک است ، ۳۰ میلیون به امی ها و ۶۰ میلیون به ابی . در امی ها ۳۰ تقسیم بر ۴ می شود ولی در ابی ۲ تا پسر و یکی دختر .

فرض و صاحبان فرض : ارث بردن یا از راه فرض است و یا قرابت .

ارث بردن از راه فرض : سهم الارث های مشخصی هستند که از جانب شرع مشخص شده و هرکدام یک عدد کسری هستند و به وراثی که سهم الارث معین دارند ، در اصطلاح فرض بر گفته می شود .

فرض ها :

فرض متعلق است به تک دختر ، تک خواهر (ابی یا ابوینی) شوهر اگر متوفی اولاد نداشته باشد .

فرض شوهر اگر متوفی اولاد داشته باشد زوجه یا زوجه ها در صورت فقدان اولاد برای متوفی .

فرض صرفاً "متعلق به زوجه یا زوجه هاست .

فرض متعلق است به چند دختر خالص (پسر نداشته باشد) چند خواهر ابوینی یا ابی خالص (برادر نداشته باشد)

فرض متعلق است به مادر در صورتی که متوفی اولاد و حاجب اخوه نداشته باشد و اخوه امی متعدد می برد .

فرض متعلق است به پدر و مادر در صورتی که متوفی اولاد داشته باشد یا اخوه امی واحد .

ارث بردن از راه مازاد بر فرض به ۲ صورت است :

۱- همه وراث فرض بر باشند .

۲- مجموع فرض ها از مجموع ما ترک کمتر باشد .

در صورتی که وراث همه فرض بر باشند و در این بین هیچ قرابت بری وجود نداشته باشد . مانند اینکه وراث منحصر باشند به یک مادر و پدر و دختر ، در این صورت با توجه به اینکه سهم پدر ، سهم مادر و سهم دختر و مجموع سهام آنها خواهد شد لذا ملاحظه می شود که از مجموع ما ترک باقی می ماند ، در این صورت بایستی که برای تقسیم ما ترک باقی مانده سهم هریک از وراث فرض بر را در مجموع سهام همه وراث تقسیم نمود .

$$+ + = =$$

دختر ، پدر و مادر هرکدام و باقیمانده

مازاد تقسیم بر ۳ نفر (پدر و مادر و دختر) می شود .

= =

= =

زوج و زوجه از رد مازاد بر فرض منتفع نمی شود ، استثنائاً" در صورتی که به جز زوج فرض بردیگری نباشد در این صورت مابقی به او رد می شود .

پدر اگر اولاد داشته باشد فرض براین است که ارث می برد و اگر اولاد نداشته باشد قرابت بر است . مادر همیشه فرض بر است که اگر اولاد داشته باشد و اگر نداشته باشد .

توزیع سهام وراث طبقه نخست :

به طوری که می دانیم وراث طبقه اول مشتمل بر دو دسته اند ، دسته اول والدین و دسته دوم اولاد ، اولاد اولاد و ... در این میان مادر همیشه فرض بر است و پسر همیشه قرابت بر . دختر و دخترها و پدر گاهی به فرض و گاهی به قرابت ارث می برند . سهم الارث ادنای مادر و سهم الارث اعلی او است که در فرض فقدان اولاد به او تعلق می گیرد . پسر همیشه قرابت بر است و پس از کنار گذاشتن سهم وراث فرض بر ، مابقی ماترک به پسر داده می شود . اما پدر چنانچه متوفی اولاد داشته باشد پسر فرض بر بوده و سهم الارث او است و چنان چه متوفی اولاد نداشته باشد سهم الارث پدر به قرابت خواهد بود .

سهم الارث دختر و دخترها : در صورتی که متوفی فرزند ذکور نداشته باشد در این صورت دختر و دخترها فرض برند . تک دختر ، چند دختر ، و اگر متوفی فرزند ذکور داشته باشد دختر و دخترها قرابت بر هستند که به قاعده ۲ به ۱ بین دختر و پسر ما ترک تقسیم می شود . در صورت نبودن اولاد ، اولاد اولاد حصه آنها را به قائم مقامی ارث می برد و هر نسل حصه کسی را می برد که به واسطه او به میت می رسد . بنابراین اولاد دختر متوفی سهم الارث دختر متوفی را می برند و اولاد پسر متوفی سهم الارث پسر متوفی را می برند .

صورت های گوناگون وراث :

الف (انحصار وراث به والدین :

پدر تنها : در این صورت تمام ترکه به قرابت به پدر می رسد .

مادر تنها : در این صورت مادر به فرض و ترکه را به رد به ارث می برد .

متوفی دارد پدر و مادر :

در این صورت مادر به فرض به ارث می برد و پدر با توجه به اینکه در اینجا قرابت بر محسوب می شود قرابت می برد . و اگر از ناحیه اخوه متوفی حاجب داشته باشد مادر به فرض و پدر به قرابت به ارث می برد .

نکته : در این ۳ صورت هریک از زوجین که زنده باشد فرض اعلاى خود را می برد چون متوفی اولاد ندارد ،
زوج و زوج می برد .

انحصار وراثت به اولاد :

پسر تنها : کل ترکه را به قرابت می برند .

تک دختر : تک دختر به فرض به ارث می برد و باقی مانده را نیز به رد می برد .

دختران : دختران در صورت تنها بودن به فرض و باقی مانده را به رد می برند .

پسر و دختر یا پسران و دختران : در این صورت ما ترک را به قرابت ارث برده و میان آن ها به نسبت ۲ به ۱ تقسیم می شود .

والدین با اولاد :

پدر با یک دختر : دختر به فرض و پدر به فرض و مابقی به نسبت فرمولی که پیش از این گفته شد به رد تقسیم می شود .

مادر با یک دختر : مادر به فرض و دختر به فرض و مازاد به رد تقسیم می شود نسبت به هردو .

هر دو والدین با یک دختر : مادر ، پدر ، دختر ، مابقی به رد تقسیم می شود .

پدر و مادر با چند دختر : پدر ، مادر ، چند دختر ، که مجموع آن ها می شود و چیزی باقی نمی ماند .

پدر و مادر با پسر و دختر یا با پسران و دختران : به مادر ، به پدر ، مابقی به قرابت بین دختر و پسر یا دختران و پسران به نسبت ۲ به ۱ تقسیم می شود .

والدین ، چند دختر ، زوج : پدر ، مادر ، چند دختر ، زوج .

+ + + = =

در این فرض ترکیه کم می آید و مجموع سهام وراث از عدد ما ترک بیش تر است در این صورت نقص بر دختران وارد می شود لذا با آن ها همچون قرابت بر برخورد می شود .

= = + +

توزیع سهم الارث طبقه دوم : به طوری که می دانیم وراث طبقه دوم دو دسته می باشند :

دسته نخست اجداد هستند اعم از اجداد ابی و اجداد امی و دسته دوم اخوه قرار دارد (خواهر و برادر) و اولاد آن ها اعم از اخوه ابی ، امی ، ابوینی .

احکام اخوه :

۱- با وجود اخوه ابوینی ، اخوه ابی از ارث محروم است .

۲- اخوه ابوینی و ابی هیچ کدام اخوه امی را از ارث محروم نمی کنند .

۳- تقسیم ارث بین اخوه امی به قاعده تساوی است ولی تقسیم ارث بین اخوه ابی و اخوه ابوینی به قاعده ۲ به ۱ است .

۴- اخوه امی همیشه فرض بر است ، اگر واحد باشد بر امی ها ، متعدد باشد .

۵- درمورد اخوه ابوینی یا ابی خالص خواهر فرض بر این است واحد باشد و متعدد باشد . ولی خواهر کنار برادر ارث او از باب قرابت بوده و به قاعده ۲ به ۱ ارث می برند .

۶- در مورد اجداد امی باید دانست که اجداد امی همواره فرض برند . فرض جد یا جده امی واحد است و فرض اینکه جد یا جده امی که هر دوی آنها باهم باشد ارث می برند .

نکته (مهم) : در فرض اجتماع جد یا جده امی چه واحد و چه متعدد ، سهم همه آن ها باهم است .

نکته : در طبقه دوم هرگاه مجموع فرض ها بیشتر از مجموع ترکیه باشد ، نقص بر خواهران ابوینی یا ابی وارد می شود ، مثلاً " متوفی دارد زوج ، اخوه امی متعدد ، دو خواهر ابوینی .

در این صورت با توجه به اینکه مجموع سهام بیش تر می شود خواهران ابوینی به قرابت باقی مانده را می برند .

حالتهای وراث طبقه دوم :

الف (انحصار وراث به اخوه :

همه امی ها : به فرض می برند و به رد می برند .

همه ابی : ارث بردن تمام ترکه از باب قرابت .

همه ابوینی : تمام ترکه را به قرابت ارث می برند .

اخوه ابی با اخوه امی ، اخوه امی با اخوه ابوینی ، اخوه امی با اخوه ابی و اخوه ابوینی (ابی ارث نمی برد ، اگر امی ها واحد است و اگر متعدد است . باقی مانده به ابوینی .

انحصار وراثت به اجداد : هر ۲ امی (جد و جده امی) : به فرض ، به رد .

هر دو ابی تمام ترکه را به قرابت به ارث می برند .

برخی ابی و برخی امی : به جد یا جده امی ، مابقی به قرابت به جد یا جده ابی می رسد .

اجتماع اخوه با اجداد : پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری ۲ تا برادر امی و ۱ خواهر ابی . به فرض

پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری ابی ، برادر و خواهر ابوینی به قرابت .

متوفی سمت پدری و سمت مادری و یک زوج دارد .

پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری و اخوه مادری .

پدر بزرگ و مادر بزرگ و اخوه ی ابی یا ابوینی و زوج .

+ = =

باقی مانده از بابت قرابت به پدری ها می رسد .

طبقه سوم : هر موقع ۲ طبقه نبودند و فقط طبقه سوم بود .

منصوبین مادر متوفی (دایی و خاله)

منصوبین پدر متوفی (عمو و عمه)

متوفی ۱ دایی ، ۱ خاله ، ۳ تا عمو ، ۴ عمه دارد .

منصوبین مادری می روند یک طرف و ارث می برند و از باب فرض و به نسبیّه تقسیم می شود .

منصوبین پدری ارث می برند و از باب قرابت می برند به نسبت ۲ به ۱ .